



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ ایران دوره اسلامی

## محقق کرکی و دولت صفوی

بوسیله:

محمد تقی مشکوریان

استاد راهنما:

دکتر محمد علی رنجبر

شهریور ۸۷



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا

#### اظہارنامہ

اینجانب محمدتقی مشکوریان (۸۴۰۲۲۰) دانشجوی رشته تاریخ، گرایش ایران بعد از اسلام، بخش تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی اظہار می‌دارم کہ این پایان نامہ حاصل پژوهش خودم بودہ و در جاهایی کہ از منابع دیگران استفادہ کردہ‌ام، نشانی دقیق و مشخصات آنرا نوشتہ‌ام. همچنین اظہار می‌دارم کہ تحقیق و موضوع پایان نامہ ام تکراری نیست و تعهد می‌نمایم بدون مجوز دانشگاه دستاوردهای آن را منتشر ننمودہ و یا در اختیار غیر قرار ندم. کلیہ حقوق این اثر مطابق با آیین‌نامہ مالکیت فکری و معنوی، متعلق بہ دانشگاه شیراز است.

امضاء دانشجو



به نام خدا

محقق کرکی و دولت صفوی

به وسیله:

محمدتقی مشکوریان

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیت های  
تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته :

تاریخ ایران دوره اسلامی

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه :

دکتر محمد علی رنجبر ، استاد یار بخش تاریخ ( رئیس کمیته )

دکتر محمد مهدی مرادی خلج ، استاد یار بخش تاریخ

دکتر حسین پور احمدی ، استاد یار بخش تاریخ

شهریور ۱۳۸۷

## سپاسگزاری

به نام او و حمد و سپاس او که لحظه‌ای مرا به حال خود فرو نگذاشت و این توفیق را خود عطا فرمود تا به لطفش مومن باشم و به عنایتش موقن. اکنون با یاری او به پایان یکی دیگر از مراحل زندگی رسیده‌ام، اما این نقطه پایان، برایم تازه آغاز یک دنیاست؛ دنیایی که از پس آموزه‌هایم در این مقطع و به مدد انسان‌های وارسته‌ای که افتخار حضور در مجلس درسشان را یافتیم، به رویم گشوده شد. دنیایی زیبا و شگفت که وضوح و صافی آن را به یقین مرهون استادان دانشمندی هستم که شاگردیشان افتخاری است که همه عمر بر آن خواهم بالید.

تدوین این پایان نامه را مدیون لطف و دانش استاد فرهیخته دکتر محمد علی رنجبر هستم. از ایشان که شوق و شهادت انجام این پژوهش را به من بخشیدند، بسیار سپاسگزارم و حمایت‌های بی دریغشان را ارج می‌نهم. بهره بردن از محضر ایشان فرصتی خجسته بود.

همچنین در این مجال اجازت می‌طلبم تا نسبت به عنایت و محبت استادان بزرگ منشم آقایان دکتر محمدمهدی مرادی خلج، دکتر حسین پوراحمدی، دکتر سیدابوالقاسم فروزانی، دکتر عبدالرسول خیراندیش صمیمانه‌ترین و فروتنانه‌ترین سپاسگزاری‌ها را به پیشگاهشان تقدیم کنم.

## چکیده

### محقق کرکی و دولت صفوی

به وسیله‌ی:

#### محمدتقی مشکوریان

تاریخ حکومت خاندان صفوی در ایران، با ایراد خطبه به نام ائمه اثنی عشر (ع) از سوی شاه اسماعیل اول در مسجد آدینه تبریز (۹۰۷هـ) آغاز شد. این نقطه‌ی آغازین با تلاش پی‌گیر حکام صفوی برای ترویج تشیع در ایران تداوم یافت تا آنجا که آن را به یکی از ویژگی‌های برجسته هویت بخش برای حکومت صفوی تبدیل کرد. تلاش صفویان برای استقرار شریعت امامیه، علمای شیعه را به نحو بی سابقه‌ای به عرصه‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی وارد ساخت؛ تجربه‌ای که احتمالاً برای اولین بار نصیب این دسته از علماء گردید. از سوی دیگر اخذ روایتی اصیل و پرداخته شده از معارف شیعی که بتواند طرح استقرار تشیع را ممکن سازد، حضور جمعی از علمای شیعه‌ی غیربومی و عموماً عرب و به طور خاص اهل جبل عامل لبنان را در جامعه صفوی در پی داشت. شیخ علی بن حسین کرکی (۹۴۰-۸۷۰هـ) برجسته‌ترین و بانفوذترین این علما در جامعه و حکومت صفوی، در قرن دهم هجری قمری بود. پژوهش حاضر می‌کوشد در زمینه کلی مناسبات حکومت صفوی و فقهای شیعه به بررسی موردی در باب محقق کرکی بپردازد. به این منظور ابتدا تاثیر زمینه تاریخی فضای مذهبی و اجتماعی جامعه صفوی در آغاز سده دهم هجری قمری و ضرورت‌های آن و نیز مبانی نظری و روش شناختی رهیافت اصولی به حوزه فقه در شکل‌گیری مناسبات کرکی با حکومت صفوی در دوران شاه اسماعیل و شاه تهماسب اول بررسی می‌شود؛ سپس چگونگی تاثیر سیاست‌های مذهبی حکومت صفوی از یک سو و تلاش‌های اصیل کرکی برای تثبیت مرجعیت مجتهد در جامعه شیعه امامیه، در روند این مناسبات تبیین می‌شود.

واژگان کلیدی: صفویان متقدم، فقهای امامیه، محقق کرکی.

## فهرست مطالب

عنوان ..... صفحه

فصل نخست: کلیات	۱
مقدمه	۱
۱-۲- طرح مسأله	۳
۱-۳- پیشینه تحقیق	۳
۱-۴- روش تحقیق	۴
۱-۵- پرسش های تحقیق	۴
۱-۶- فرضیه های تحقیق	۵
۱-۷- بررسی منابع اصلی	۵

### فصل دوم: روند شکل گیری گفتمان فقهی شیعه امامیه:

از آغاز غیبت کبری تا پایان قرن دهم هجری قمری	۸
۲-۱ - تحریر محل نزاع	۸
۲-۲- دانش فقه و اصول آن	۱۱
۲-۳- تأسیس مرجعیت بر مفهوم علم در آموزه امامت	۱۵
۲-۴- تحول علم الاصول و ظهور نظریه اجتهاد	۱۹
۲-۴-۱- ملاحظات کلی: از یقین علمی تا ظن اجتهادی	۱۹
۲-۴-۲- اجتهاد	۲۴
۲-۴-۳- نگاهی به سیر تدوین و تحول اصول فقه امامیه	۲۶

### فصل سوم: جامعه صفوی و سیاست های مذهبی

حکومت در آغاز قرن دهم هجری	۳۵
----------------------------	----



عنوان .....	صفحه
۱-۳- فضای باورهای مذهبی در آغاز قرن ۱۰ ه .....	۳۶
۲-۳- جامعه صفوی: ترکیب نیروها در آغاز قرن ۱۰ ه .....	۴۲
۳-۳- آغاز رسمیت یافتن تشیع اثنی عشری در قلمرو صفوی .....	۴۷
۴-۳- سیاست‌های مذهبی حکومت صفوی .....	۵۱
۱-۴-۳- برخورد با سنیان در قلمرو صفوی .....	۵۳
۲-۴-۳- سیاست های ضد صوفیگری .....	۵۴
فصل چهارم : محقق کرکی در مواجهه با جامعه و حکومت صفوی .....	۵۶
۱-۴- جبل عامل، مرکز تولید معارف اصولی امامیه: قرن ۸ تا ۱۰ ه .....	۵۶
۲-۴- مرحله آغازین زندگی کرکی: ۸۷۰ تا ۹۰۹ ه .....	۵۹
۳-۴- مرحله دوم : اقامت در نجف، ۹۰۹ تا ۹۱۶ ه .....	۵۹
۴-۴- نزاع کرکی با شیخ ابراهیم قطیفی: حلیت خراج در عصر غیبت و عواید حاصل آن ۶۱	۶۱
۵-۴- سفر اول کرکی به ایران: از ۹۱۶ ه .....	۶۴
۶-۴- برخورد نزدیک : کرکی و سیاستهای مذهبی شاه اسماعیل .....	۶۷
۱-۶-۴- رساله نفحات اللاهوت و تعیین مخالفین امیرالمؤمنین: در تجویز لعن مخالفین ۶۷	۶۷
۲-۶-۴- برضد بدعت و بدعت گزاران .....	۶۹
۷-۴- بازگشت به عراق، نماز جمعه و نظریه نیابت عام: پیش از ۹۲۰ تا ۹۳۶ ه .....	۷۲
فصل پنجم: کرکی در دربار شاه طهماسب: ۹۳۶ تا ۹۳۹ ه .....	۷۷
۱-۵- مخالفان کرکی در طبقات حاکم در جامعه و دربار صفوی .....	۷۹
۲-۵- کرکی و حاکمیت صفوی: چرا کرکی پیروز بود .....	۸۴
۳-۵- بازگشت کرکی و صدور فرمان ۹۳۹ ه .....	۸۶
نتیجه گیری .....	۸۹
منابع و مأخذ .....	۹۴

## فصل نخست

### کلیات

#### ۱-۱- مقدمه

در چند دهه گذشته، در کنار رشد توجه عمومی برای شناخت حوزه‌های گوناگون معارف و تاریخ تشیع اثنی عشری، شاهد تألیف آثار فراوانی در تحلیل و بررسی تاریخ اندیشه سیاسی، بویژه در دورانی که با تشیع تلاقی می‌کند بوده‌ایم. تاریخ صفویه به عنوان آغازگاهی برای حضور بی‌سابقه تشیع اثنی عشری در حوزه‌های گوناگون کُنش اجتماعی و سیاسی و پیدایش و بسط ایده‌ها و اندیشه‌ها، در معارف گوناگون شیعی، جایگاهی شناخته شده در این گونه مطالعات دارد و یکی از زمینه‌های مطالعاتی، که بسیار هم مورد توجه قرار گرفته است، مناسباتی است که در این دوره (بویژه با توجه به اقدام اساسی حکومت صفوی در جهت تغییر کیش جامعه تحت سلطه خود به تشیع) میان حاکمیت صفوی و طبقات گوناگون علما و فقهای شیعه‌ای که رعایای شاه صفوی محسوب می‌شدند، برقرار شد. تنها نگاهی گذرا به تاریخ تشیع امامیه در سده‌های پیش از آن و نیز باورهای امامیه در باب مرجعیت سیاسی، برای درک اهمیت ویژه‌ای که چنین مناسباتی از آن حکایت داشت، کافیست. این پژوهش، در زمینه کلی مناسبات فقهای امامیه با حاکمیت صفوی در قرن ۱۰هـ (دوران صفویان متقدم)، قصد دارد به یک بررسی موردی با موضوع مناسبات شیخ علی کرکی، محقق ثانی (ح ۸۷۰هـ تا ۹۴۰هـ) با حاکمیت صفوی، در زمان شاه اسماعیل اول (۹۳۰هـ-۹۰۷هـ) و شاه تهماسب اول (۹۸۴هـ-۹۳۰هـ) بپردازد. آنچه در این زمینه به کرکی اهمیتی خاص می‌دهد، گذشته از تقدم زمانی، نابهنگام

بودن ایده‌ها و مواضع عملی اوست، که اصالت آنها را نشان می‌دهد، گرچه بعضی ایده‌های اصلی را او خلق نکرده بود ولی قطعاً در آن فضا و جَو ویژه مذهبی و سیاسی به راحتی قابل هضم نبوده است. او نه در قرن ۱۲هـ، بلکه در آغاز قرن ۱۰هـ می‌اندیشد، جامعه صفوی آن زمان، اگر هم روایت فقه‌مدار او را از تشیع می‌پذیرفت بعید بود به راحتی جایی در مراتب بالای نهاد دین برای او باز کند آن هم به صرف ادعای مشکوک او مبنی بر اینکه به عنوان فقیه جامع‌الشرایط، نایب امام است. گذشته از این به نظر می‌رسد که او تقریباً در زمینه بسیاری از مسائل مهمی که در مواجهه با فقهای امامیه با حکومت صفوی در میان آمد، تجربه‌ای داشته است و در مقابله با تمام مسائلی که استقرار شریعت شیعه با آن روبرو شد، به نوعی آغازگر بوده است. بسیاری از مسائلی که او مطرح کرد و موانعی که او به رفع آنها پرداخت و تلاش‌هایی که در این حوزه صورت داد، پس از مرگش برای مدتی متروک ماندند و برخی از مهم‌ترین آنها مانند بحث در حلیت خراج و نماز جمعه، تا مدتهای دراز موضوع مباحثات علما بودند. تنوع موضوعاتی که به آنها پرداخت و دامنه بحث‌هایی که حول آنها درگرفت اهمیت او را در تاریخ تشیع در این عصر نشان می‌دهد. او به معنای دقیق کلمه یک فقیه و مجتهد بود و هرگز دچار تعارضاتی که حاصل التقاط رویکردهای ناهمگون بود نشد و همین نظم و اراده فکری بود که امکان ایجاد آن حد از انسجام و سازگاری میان رویکرد اصولی اجتهادی‌اش، دیدگاه‌های خاص فقهی و کردار سیاسی و اجتماعی را به او میداد.

## ۱-۲- طرح مسئله

مدعای اصلی این پژوهش، جستجو در مجموعه در هم پیچیده و وسیعی از زمینه‌ها، ضرورتها و امکاناتی است که در آغاز قرن ۱۰هـ مناسبات کرکی را با حکومت و تاحدی، جامعه صفوی شکل داد. ضرورت استقرار شریعت در حضور قدرت سیاسی متمرکز و الزامات آن، رهیافت اصولی مبتنی بر نظریه اجتهاد به فروع فقه در بنیان روش شناختی رویکرد کرکی، هماهنگی رویکرد کرکی با سیاست‌های مذهبی حکومت صفوی از جمله مسائلی است که برای

نتیجه نهایی بر آنها تکیه شده است. طی فصل‌های گوناگون خواهیم دید که چگونه مواضع کرکی، که اولاً و اصالتاً از یک رهیافت ویژه (که فصل دوم به توضیح چگونگی ظهور آن پرداخته است) در اصول فقه برمی‌خیزد، با سیاست‌های حکومت صفوی در حوزه باورهای دینی، در ضرورت استقرار شریعت برای یک قدرت سیلیبی متمرکز با هم هماهنگ می‌شوند.

### ۱-۳- پیشینه تحقیق

پیش از این طی پژوهش‌های گوناگون، اطلاعات خام مربوط به زندگی و آثار کرکی استخراج شده و در منابع پژوهشی مطرح گردیده است. حسینی زاده در کتاب «اندیشه سیاسی محقق کرکی» تلاش کرده از منظر اندیشه سیاسی به تحلیل آثار کرکی بپردازد. او در آثار دیگر خود نیز مطالب اصلی همین کتاب را تکرار می‌کند و چیز جدیدی به آن نمی‌افزاید. او در فصلی با عنوان «مبانی فقهی-سیاسی همکاری کرکی و دولت صفوی» مستقیماً به موضوع مورد بحث ما می‌پردازد.

محمد جعفر هرندی پایان‌نامه دکتری خود را به بررسی «زندگی و آراء خاص فقهی محقق کرکی» اختصاص داده است. این متن بعداً به چاپ هم رسیده که در دسترس نبود ولی هرندی دیدگاه خود را در کتاب «فقهاء و حکومت»، براساس همان رساله طرح کرده که مشخصات آن در فهرست منابع درج گردیده است.

اما مفصل‌ترین و جدیدترین اثر پژوهشی در مورد کرکی را محمد حسون، در ضمن انتشار کاملترین مجموعه از آثار کرکی (به جز جامع المقاصد)، به چاپ رسانده است. وی ۳ جلد از کتاب «حیاه محقق الکرکی و آثاره» را به ترتیب، به بررسی ۱- حیات سیاسی ۲- حیات علمی ۳- آراء علمی کرکی، اختصاص داده است. جلد اول، در موضوع مناسبات سیاسی مطالبی دارد و بر خلاف عنوان، تنها شامل حیات سیاسی نمی‌شود.

گذشته از اینها در بعضی دیگر از منابع پژوهشی تنها به صورت پراکنده و حتی بدون عنوان، به موضوع پرداخته شده است و گاهی هم تنها گفته‌های منابع ذکر شده در آنها تکرار

می‌شود و در کل آنچه ذکر شد مجموعه‌ی همه‌ی آثار پژوهشی مستقل شناخته شده در مورد کرکی می‌باشد، که هر کدام به فراخور به جنبه‌ای از بحث این پژوهش نیز پرداخته‌اند.

#### ۱-۴- روش تحقیق

روش گردآوری اطلاعات این رساله کتابخانه‌ای است. اطلاعات مربوط از کتابهای متقدم و پژوهشهای محققان معاصر گردآوری شده است. از آنجاییکه کتابهای متقدم به لحاظ زمانی به موضوع رساله نزدیک و گاهی معاصر می‌باشند این کتب برای رساله در حکم اسناد درجه‌ی یک می‌باشند و فیش‌برداری از آنها به همراه تحقیقات معاصرین انجام شده است، سپس اطلاعات گردآوری شده و به لحاظ موضوعی طبقه‌بندی شده است. تجزیه و تحلیل لازم برای هر موضوعی انجام می‌شود و هر فصلی با یک نتیجه‌گیری به پایان می‌رسد. در انتها نتیجه‌گیری نهایی بیان شده است.

#### ۱-۵- پرسشهای تحقیق

۱. حکومت صفوی در نیمه‌ی اول قرن ۱۰هـ در حوزه‌ی مناسبات و مسائل مذهبی چه اهدافی را دنبال می‌کرد و برای تحقق آنها چه سیاست‌هایی به کار می‌گرفت؟ این سیاست‌ها چگونه مواجهه‌ی کرکی، در مقام یک مجتهد اصولی را شکل دادند؟
۲. آیا می‌توان برای رهیافت اجتهادی کرکی به حوزه‌ی فقه، در مناسبات مذکور نقشی مؤثر قائل شد؟
۳. کرکی در آثار نظری و کردار اجتماعی خود، چه مسیری را طی می‌کرد و زیربنای اصلی و محور نظری فعالیت‌های او، نظریه‌ی نیابت عام فقیه از سوی امام معصوم در عصر غیبت، چگونه تلاقی او با حاکمیت صفوی را متاثر ساخت؟

## ۱-۶- فرضیه‌های تحقیق

۱. در دوره شاه اسماعیل، سیاست‌های حکومت صفوی تنها در مسائلی نسبتاً محدود و ظاهری به اقدامات کرکی مربوط می‌شود و از این رو او در آن عصر چندان مورد توجه قرار نگرفت. اما در عصر شاه‌طهماسب و به طور خاص، در پایان دهه ۹۳۰ هـ، می‌توان نشانه‌های روشنی از تمایل حاکمیت صفوی برای تفویض قدرت فراوانی در عرصه مرجعیت شرعی به کرکی را تشخیص داد.
۲. کرکی از خاستگاه و وطن خود، جبل عامل، سنتی نیرومند در معارف شیعی را به میراث برده بود که با رهیافتی اجتهادی به حوزه فقه همراه بود. این چنین رهیافتی می‌توانست با تولیدات نظری و تحرکات عملی در جهت استقرار شریعت شیعه در جامعه نوکیش صفوی، تحقق اهداف حاکمیت صفوی در حوزه دین را تسهیل نماید.
۳. نظریه نیابت عام بویژه در دو دهه آخر حیات کرکی هسته تئوریک آثار نظری او قرار گرفت و در عمل، مناسبات او با حاکمیت را جهت می‌داد. با توجه به وجود همین هسته تئوریک، باید مسیر منطقی خواست کرکی را از آنچه در فرمان ۹۳۹ هـ دیده می‌شود، جدا دانست، مسیری که به مشروعیت بخشیدن به حکومت صفوی منجر نمی‌شود.

## ۱-۷- بررسی منابع اصلی

منابعی که در موضوع مورد بحث ما به عنوان منابع دست اول تاریخی شناخته شده‌اند، در یک تقسیم‌بندی که هم‌زمان ناظر به دوره تالیف و نوع تالیفات می‌باشد، به دو گروه تقسیم می‌شوند. اول وقایع نگاری‌های قرن ۱۰ هـ که تالیف آنها فاصله ۹۳۰ هـ تا آغاز قرن ۱۱ هـ را شامل

می‌شود. اینها بنای اصلی و تکیه‌گاه ما برای سنجیدن تحلیل‌ها و نیز آگاهی‌های منابع گروه دوم بوده‌اند. گروه دوم منابع که همگی نوشته‌های رجالی می‌باشند، دوره‌ای از پایان قرن ۱۱ ه و در واقع آغاز قرن ۱۲ ه (زمان تالیف ریاض العلماء) تا آغاز قرن ۱۴ ه را در بر می‌گیرند. به جز این دو دسته منبع دیگر ما، سندی منتشر شده می‌باشد که در واقع وقفنامه شاخه‌ای از رود فرات است که تولیت آن به کرکی سپرده شده بود. به اینها باید مجموعه تالیفات منتشر شده کرکی، که ظاهراً تمام نسخه‌های موجود آثار او را شامل می‌شود، را هم افزود. اینها بویژه از آن رو که حاوی بنیان‌های نظری رفتار سیاسی او می‌باشد اهمیت دارند.

از منابع گروه اول حبیب السیر اولین اطلاعات راجع به کرکی را در اختیار می‌نهد، چنان که خواهیم دید روایت او از این جهت که آگاهی مورخ را در سال ۹۳۰، پایان عصر اسماعیل، از مقام کرکی به ما می‌نمایند، اهمیت دارد. پس از آن، از منابع قرن ۱۰ ه قطعاً مهمترین منبع ما احسن التواریخ است که گفته‌های او بسیاری از نظریات در حوزه مسائل مرتبط با این پژوهش را شکل داده است. از مسائل مربوط به سیاست‌های مذهبی تا جایگاه مناصب مذهبی در نهاد سیاسی و مناسبات آنها و از همه مهم‌تر آگاهی‌های ویژه او در باب مناسبات کرکی با دربار صفوی و نزاع او با صدور عصر تهماسب. خلاصه التواریخ در این زمینه معمولاً گفته‌های روملو را تکرار کرده است. اما در اضافات مربوط به نسخه برلین، که در انتهای کتاب، در چاپ احسان اشراقی، منتشر شده است، آگاهی‌های مفید و منحصر به فردی درباره کرکی در اختیار ما می‌گذارد. اما متأسفانه این نسخه خاص مورد بررسی انتقادی قرار نگرفته است. اثر مجهول المؤلف جهانگشای خاقان، علی رغم ارزش زیادی که به لحاظ تقدم تالیف برای آن قائل شده‌اند، هنوز به چاپ انتقادی نرسیده و آنچه در دست است چاپ عکسی نسخه خطی می‌باشد. با این حال در یک مورد، حضور کرکی در هرات در ۹۱۶ ه به روایت آن اعتماد شده است. به جز اینها، به مناسبت از دیگر منابع این دوره نیز برای تکمیل یا تایید استفاده شده است.

و اما منابع دسته دوم عموماً آثاری در ترجمه احوال علما و بزرگان می‌باشند. اینها به لحاظ دوره تاریخی نیز در یک گروه قرار می‌گیرند. تمام منابع رجالی که اطلاعاتی از موضوع دارند، مربوط به آغاز قرن ۱۲ ه به بعد می‌باشند. آنچه به این منابع ارزش متمایزی نسبت به وقایع نگاری‌های پیشین و حتی هم‌زمان کرکی می‌دهد، آگاهی‌های تازه و بکری است که برای اولین بار در این باره مطرح می‌شود. ریاض العلماء، در این میان با نقل فرمانی از شاه طهماسب

در مورد کرکی، به تاریخ ۹۳۹هـ، به نحو چشمگیری درک و تحلیل ما را از موضوع تحت تاثیر قرار می‌دهد. او همچنین در اثر دیگر خود، تعلیقه امل الامل به متن دیگری در این باره اشاره می‌کند که به عنوان فرمان اول شاه تهماسب در مورد کرکی شناخته شده است. به جز افندی، خاتون آبادی در وقایع‌السنین و الاعوام مدعی رؤیت متن اصلی فرمان ۹۳۹هـ می‌باشد. لؤلؤ بحرین به نقل از سید نعمت‌الله جزایری آگاهی‌هایی ویژه در باب نفوذ کرکی بر شاه تهماسب ارائه می‌کند. منابع اصلی قرن ۱۴هـ یعنی روضات‌الجنات و قصص‌العلما کاری جز تکرار منابع گذشته انجام نمی‌دهند. اینها بویژه به خاطر دوری زمانی از موضوع ارزش کمی می‌یابند و گفته‌های آنها را بیشتر باید نتیجه تأثیرات زمان تألیفشان دانست تا در دسترس داشتن منابع جدید.

#### یادداشتی درباره ارجاعات:

در این متن تنها در یک مورد از روشی متفاوت در ارجاع استفاده شده است. رسائل کرکی، در چاپ حسون، دارای دو شماره صفحه می‌باشد یکی مربوط به شماره هر صفحه در جلد مربوطه و دیگری به خود رساله. این مساله امکان این را فراهم آورد که در ارجاعات تنها از شماره صفحه خود رساله استفاده شود. از این رو در هر مورد از ارجاع به رسائل تنها نام رساله و شماره صفحه آن آمده است.



## فصل دوم

### روند شکل‌گیری گفتمان فقهی شیعه‌ی امامیه:

### از آغاز غیبت کبری تا پایان قرن دهم هجری قمری

#### ۲-۱- تحریر محل نزاع

تشیع امامیه، در اواخر قرن سوم و قرن چهارم هجری، با این باور که امام عصر غیبت کرده و ختم سلسله‌ی ائمه‌ی اثنی عشریه، به صورت یک فرقه‌ی متمایز از دیگر فرق شیعه ظاهر شد. آموزه‌ی غیبت اگر چه پیش از این نیز در میان بعضی فرق شیعه مطرح شده بود (برای نمونه ببینید: نوبختی، ۱۳۸۱: ۷۴، ۷۱، ۶۴، ۶۱)، اما در نهایت صورت‌بندی امامیه از آموزه‌ی غیبت، که به دست گروهی از نخبگان فکری آن در قرن ۴ و ۵ ه. انجام پذیرفت، به چنان توفیقی دست یافت که تبدیل به یکی از خصایص پایدار و مشخصه‌ی تشیع اثنی عشری در آمد. ولی با توجه به موقعیت محوری امام در جامعه و ذهن شیعیان به عنوان مرجع تام و مطلق، پذیرش آموزه‌ی غیبت کبری به معنای بروز بحران مرجعیت<sup>۱</sup> در جامعه‌ی امامیه بود.<sup>۲</sup> نورمن کالدر معتقد است که صورت‌بندی آموزه‌ی غیبت به نحوی صورت گرفت که طبقه‌ی علما را محور و کانون مرجعیت جامعه‌ی امامیه قرار داد. این امر هم در حوزه‌ی فروع و هم در مباحث اصول فقه به نحو روشنی مطرح شد (Calder, 1989: 57-58). این مساله در فروع تابع تئوری‌های معرفت‌شناختی و روش‌شناسانه‌ای بود که در اصول فقه طرح می‌شد و در اصول نیز

<sup>۱</sup> - مرجعیت / اقتدار / Authority

<sup>۲</sup> - چنانکه خواهیم دید بحران مرجعیت سیاسی در زمان حضور ائمه هم وجود داشته است. آنچه در این رابطه بیشتر برای بحث ما اهمیت دارد بحران عدم دسترسی به مرجعیت علمی امام و سد باب علم یقینی می‌باشد.

مسالهی مرجعیت فقهاء در توسعه‌ی نوعی روش‌شناسی، که شکل تکامل یافته‌اش نظریه‌ی اجتهاد بود، و مبانی معرفت‌شناختی آن مضمّن بود. آنچه اهمیت ویژه‌ای دارد آنست که در این میان مرجعیت علما بر مفهوم علم بنا شد، یعنی همان مفهومی که محور اصلی آموزه‌ی امامت و اصلاً توجیه حضور امام محسوب می‌شد. طبقه‌ی علما که در عصر غیبت کبری به تدریج به تنها نیروی وحدت‌بخش جامعه‌ی امامیه تبدیل شدند، ابتدا در شکل راویان احادیث ائمه (ع) ظاهر شدند، یعنی کسانی که حاملان میراث ائمه بودند و این امتیاز را از طریق تحصیل علم به دست آورده بودند و به این لحاظ وارثان علم امام محسوب شدند، بی‌آنکه این موقعیت خود را در مبانی عقیدتی و کلامی توجیه کرده و مشروعیت بخشیده باشند، اقدامی که بعدها نه در جریان بحث‌ها و جدل‌های کلامی که در اصول فقه و در سیر مباحث فقهی صورت گرفت و این شاید به خاطر ماهیت مرجعیت فقهاء باشد که بر مبنای علم فقیه و محدود به حوزه‌ی احکام شرعی فرعی (که قاعداً باید در عمل، حوزه‌ی گسترده‌ای از زندگی اجتماعی را در بر بگیرد) بود و در همین چهارچوب نیز در یک فرایند رو به توسعه و به تدریج بخش‌هایی از کارکردهای امام معصوم به فقیهان انتقال یافت. این پدیده را می‌توان در نظرات فقه‌های برجسته، از شیخ مفید تا شهید ثانی<sup>۱</sup>، در باب مسائلی چون قضا، خمس و زکات و ...، از قرن پنجم تا آغاز عصر صفوی مشاهده کرد (آقاجری، ۱۳۸۱: ۶۲).

جریان تأسیس مرجعیت فقهاء بر مبنای علم، در اصول فقه صورت گرفت، جایی که نظریه روش‌شناسانه‌ی اجتهاد پرورش یافت، نظریه‌ای که توسعه و به کارگیری آن به همراه رشد نظریه‌ی مکمل آن یعنی تقلید، مبانی نظری لازم برای مرجعیت علما را به نحوی نظام یافته فراهم آورد و منصب مجتهد را شکل داد که علما به وسیله‌ی آن توانستند دانش خود را به مرجعیت و ولایت ربط دهند (Kazemi Moussavi, 1991: 118). دانش اصول فقه، منطق اندیشه‌ی فقیه و مدار تحول گفتمان فقه شیعه بوده و راهی را نشان می‌دهد که از طریق آن فقها مرجعیت خود را تثبیت نمودند. دانشی که بدون تمهیدات روش‌شناختی و اصول معرفت‌شناسانه‌ی آن ظهور نظریه‌ی نیابت عام امام عصر(ع) برای مجتهدان (که در آثار کرکی صریحاً بیان شد) بعید می‌نماید (Sachedina, 1988: 9). از این رو بررسی کلی روند تحولات

<sup>۲</sup> - دامنه‌ی زمانی بحث ما به قرن دهم هجری محدود می‌شود.

اصول فقه شیعه، با محور قرار دادن مفهوم اجتهاد، موضوع اصلی فصل حاضر را تشکیل می‌دهد و نه مسائل خاص فقهی‌ای که گرچه به طور مستقیم تابع تحولات اصولی می‌باشند، به نظر رابطه‌ی عینی تر و دست اول‌تری با موقعیت و شرایط فقها در جامعه‌ی شیعه دارند.

در پژوهش‌هایی از این قبیل، معمولاً رهیافت نظری به موضوع از مجرای اندیشه‌ی سیاسی، به معنای کلی آن، صورت می‌گیرد و محور پژوهش را جستجوی پاسخ به پرسش عامل یا عاملین به کارگیری مشروع قدرت سیاسی (= اقتدار سیاسی) تشکیل می‌دهد و از آنجا که تا این زمان (قرن ۱۰ هجری) شیعه‌ی امامیه در حوزه‌ی اندیشه‌ی سیاسی هنوز از میراث فکری تنک مایه‌ای برخوردار است، چنین رویکردهایی به موضوع خاص این پژوهش و به طور کلی اندیشه و رفتار فقهای شیعه در مناسباتشان با نظام سیاسی وقت، با فقدان شواهد لازم در اندیشه‌ی سیاسی فقهاء روبرو می‌شوند پس در اینجا باید به این واقعیت اشاره کنیم که موضوع بررسی ما، محقق کرکی، نه یک فیلسوف، متکلم یا اندیشمند سیاسی به معنای خاص، بلکه فقط یک مجتهد به معنای دقیق کلمه و البته مجتهدی با نفوذ (هم به لحاظ شخصیت و هم در مقام یک فقیه) در آغاز قرن دهم هجری می‌باشد. از این رو لازم است هر گونه تحلیلی از اندیشه و رفتار او در مقام یک مجتهد، نه با پیش فرض‌های خارج از زمان، بلکه بر مبنای تحلیل منطق اندیشه‌ی اجتهادی، که در سیر توسعه‌ی اصول فقه (که قواعد اندیشیدن در گستره‌ی فقه در آن وضع می‌گردد) بر محور نظریه‌ی اجتهاد خود را آشکار می‌کند، صورت گیرد.

با توجه به آنچه گفته شد هدف کلی طرح مباحث این فصل و فصل دیگری که به بررسی مکتب فقهی و فضای اجتماعی جبل عامل، یعنی محیط جغرافیایی رشد فکری محقق کرکی و انبوهی از علما و فقهای که طی قرن دهم و یازدهم هجری جذب جامعه‌ی صفوی شدند، خواهد پرداخت، روشن کردن جنبه‌هایی از پاسخ این پرسش می‌باشد: وقتی سخن از مجتهدی از جبل عامل در قرن دهم هجری قمری به میان می‌آید، باید انتظار برخورد با چه رویکرد فکری و چه نوع منطق رفتار سیاسی‌ای را داشته باشیم؟ پس هدف جستجوی مبانی نظری، تاریخی و غیر شخصی رفتار و اندیشه می‌باشد.

در ادامه‌ی این فصل ابتدا به بحثی کلی در فقه و اصول فقه، سپس طرح مفهوم علم و جستجوی ریشه‌های تاریخی اشتقاق مرجعیت از علم در مفهوم امامت خواهیم پرداخت. پس از آن نیز گزارشی از سیر تحول اصول فقه با تأکید بر نظریه‌ی اجتهاد و مسائل معرفت‌شناسانه‌ای

که برای بحث اصلی ما پیامدهای مهمی داشته‌اند، خواهد آمد. دایره‌ی زمانی بحث در قسمت اخیر، از غیبت کبری آغاز و تا مکتب حله پیش می‌آید. آنچه از این پس در مکتب حله شاهدیم، به لحاظ نظریه پردازی در حوزه‌ی اصول چندان اهمیتی ندارد و شاید بتوان فعالیت‌های آنها را بیشتر استخراج نتایج منطقی تئوری‌های قوام یافته در مکتب حله و به کار بستن آنها در عمل استخراج احکام فقهی و حتی پرداختن به امر تحقق عملی آنها دانست، بویژه با توجه به شرایط اجتماعی - سیاسی مناسبی که منطقه‌ی جبل عامل برخوردار بود و مهمتر از آن، شرایطی که ظهور صفویه برای فقهای اصولی جبل عامل فراهم آورده بود. در واقع هیچ یک از فقهای آنها نظریه پردازان برجسته‌ای در حوزه‌ی اصول نبودند، در حالی که چند تن از برجسته ترین فقها و مجتهدین شیعه از میان آنها برخاستند، کسانی چون ابن مکی شهید اول، شهید ثانی، محقق کرکی و ...، کسانی که نه نظریه پرداز اصولی، بلکه مجتهدان بزرگ و عاملین به نظریه‌ی اجتهاد بودند.

در آخر باید همچنین یادآور شویم که در این فصل شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که آموزه‌های مورد بحث در بطن آنها و در کنش متقابل میان جامعه‌ی شیعه با محیط خارجی و با نخبگان درون خود شکل گرفته‌اند، مورد بررسی نخواهند بود. توجه ما اساساً به ان میراث فکری‌ای است که مکتب جبل عامل، حوزه‌ی رشد فکری کرکی، به ارث برده است، صرف نظر از شرایط عینی شکل گیری آنها. پس سعی ما ترسیم‌گزینشی، هدفمند و شاید فرضی (به جهت تعلیق شرایط عینی) روند ظهور و رشد نظریه‌های لازم به عنوان پیش فرض‌های نظری بحث‌های آینده خواهد بود و از این نظر مطالب این فصل را باید مقدمات منطقی بحث فرض کرد و نه بحثی مقدماتی به عنوان پیش در آمد.

## ۲-۲ - دانش فقه و اصول آن

گلدزیهر معتقد است که دانش فقه در تمدن اسلامی، در دوران اخیر حکومت اموی و بدست مردانی مذهبی که به جبر حکومت به پشت صحنه‌ی فعالیت‌های اجتماعی رانده شده بودند ساخته و پرداخته شد. دانشی که اگرچه هیچ اعتباری در جریان زندگی واقعی نداشت، اما